بسم الله الرحمن الرحيم

٢٠٣٠٤٤٩ - ١٥٤٣٨٠

دانشکده: هنرو معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: پژوهش هنر

تعامل و تقابل سنت و مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران در روند دگرگونی های اجتماعی

مصطفی قمی اویلی

استاد راهنما:

دکتر علی شیخ مهدی

استاد مشاور:

دکتر مصطفی گودرزی

شهریورماه ۱۳۸۹

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
IRANDOC
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

۱۵۶۳۸۰

۱۳۹۰/۲/۱۸

تأییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای **مصطفی قمی** تحت عنوان: **تعامل و تقابل سنت و مدرنیسم در نقاشی معاصر ایران در روند دگرگونی‌های اجتماعی** را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی‌ارشد پیشنهاد می‌کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر علی شیخ مهدی	استادیار	
۲- استاد مشاور	دکتر مصطفی گودرزی	دانشیار	
۳- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر رضا افهمی	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر محمود طاووسی	استاد	
۵- استاد ناظر	دکتر رضا افهمی	استادیار	

۱۳۹۰/۲/۱۸

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب محمدحسن امینی دانشجوی رشته پزشکی ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۶
مقطع دکترای حرفه‌ای دانشکده پزشکی متعهد می شوم کلیهٔ نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضاء
تاریخ ۸۹/۳/۶

آیین نامه چاپ پایان‌نامه (رساله)های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله)های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه،دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثارعلمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته ... است که در سال ... در دانشکده ... دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر ... ، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر ... و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر ... از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثارعلمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر درمعرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به‌عنوان خسارت به دانشگاه تربیت‌مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب معصومه نمازی دانشجوی رشته پژوهش هنر مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق وضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: معصومه نمازی

تاریخ و امضا: ۸۹/۱/۲۶

تقدیم به

پدر و مادر مهربان و همسر عزیزم

به پاس تمام فداکاری هایشان

تشکر وقدردانی

سپاس وستایش خدای را که رحمت بی‌پایانش روشنی بخش دل ودیده ام گردید ومرا یاری نمود تا کارتدوین این پایان نامه را به انجام برسانم .

دراینجا مراتب سپاس وقدردانی خودرا ازجناب آقای دکترعلی شیخ مهدی که مجدانه ودلسوزانه راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفتند وزحمات زیادی برای آن کشیدند ابراز می دارم وازجناب آقای دکترمصطفی گودرزی که مشاور این پایان نامه بودند وازراهنمایی‌هایشان بهره بسیاربردم تشکر می‌نمایم .

همچنین ازاستاد گرامی‌ام جناب آقایان دکتر محمود طاوسی که گفتار بخردانه ورفتار نیکشان همواره روشنی بخش مسیرزندگی‌ام خواهدبود کمال سپاس رادارم ونیزاز زحمات بی دریغ جناب آقای دکتر رضا افهمی ممنون وسپاسگزارم.

درپایان برخود لازم می دانم ازخانواده خوبم بویژه برادرعزیزم علی که دعای خیرش در تمام مراحل زندگی همراه من بود صمیمانه تشکروقدردانی نمایم .

چکیده

نقاشی ایرانی در طی ادوار مختلف در سایه تحولات اجتماعی دستخوش دگرگونی های بسیاری بوده و به عنوان عنصری فرهنگی در متن جامعه به تدریج خود را با این تحولات همراه ساخته است. روند این دگرگونیهای اجتماعی در دوران معاصر سرعت بیشتری یافته است. از این رو با ورود جامعه سنتی ایران به تجدد نقاشی ایرانی ویژگیهای مخصوص این دوران گذر را پیدا کرده است.

این پژوهش تلاشی برای شناخت و تحلیل تأثیر زمینه های اجتماعی تاریخ معاصر ایران بر نقاشی ایرانی در فاصله زمانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی است. در این بازه زمانی شاهد شکل گیری شیوه های گوناگون در نقاشی ایرانی می باشیم که آنها را می توان به سه بخش کلی نقاشی درباری(کلاسیک)، مردمی و نوگرا تقسیم کرد. از آنجا که هنر پیوستگی های اجتناب ناپذیری با جامعه و اندیشه های رایج در آن دارد، شناخت زوایای تأثیر پذیری متقابل هنر نقاشی و جامعه در جریان تحولات اجتماعی دوران معاصر ایران امری اجتناب ناپذیر می نماید.

واژه های کلیدی: سنت، تجدد، نقاشی ایرانی نوگرا، نقاشی ایرانی مردمی، نقاشی ایرانی کلاسیک.

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
مقدمه	۱
کلیات	۶
فصل اول: تعاریف و رویکردها	
۱-۱) مقدمه	۱۱
۱-۲) رویکرد	۱۱
۱-۳) سنت	۱۳
۱-۴) تعریف تجدد	۱۵
۱-۵) درآمدی بر نوگرایی	۲۴
۱-۵-۱ مدرن	۲۵
۱-۵-۲) نوگرایی(مدرنیسم)	۲۷
۱-۵-۳) مدرنیزاسیون	۳۰
۱-۶) نتیجه گیری	۳۱
فصل دوم: روشنفکران ایرانی و مدرنیته (رویکردی دوگانه)	
۲-۱) مقدمه	۳۳
۲-۲) جامعه شناسی ایران بین دو انقلاب	۳۳
۲-۳) ریشه های تاریخی مستفرنگ شدن درایران	۳۵

۲-۴) نیم نگاهی به پدیده «غربی گرایی ۳۶

۲-۵) ازخودبیگانگی مضاعف ۳۸

۲-۶) استمرار دودلی ۴۰

۲-۷) تحول ساختار قدرت در مشروطیت ۴۳

۲-۸) انقلاب مشروطیت ۴۷

۲-۹) دست آوردهای مشروطیت ۵۰

۲-۱۰) تکوین دولت مدرن رضا شاه ۵۱

۲-۱۱) نتیجه گیری ۶۵

۲-۱۲)پی نوشت ها ۶۶

فصل سوم : نقاشی ایران بین دو انقلاب

۳-۱) مقدمه ای بر نقاشی ایران ۷۴

۳ـ۲) ارتباط ایران با غرب ۷۶

۳-۳) ارتباط ایران از طریق سیاحان و جهانگردان ۷۹

۳-۴) انتقال ارمنیان ساکن جلفا به ایران ۸۳

۳ـ۵) اعزام نقاشان ایرانی به اروپا ۸۶

۳-۶) تداوم فرنگی‌سازی ۸۷

۳-۷) از دارالصنایع تا صنایع مستظرفه ۹۱

۳-۸) نقاشی قهوه‌خانه‌ای ۱۱۰

۳-۹) نقاشی نوگرا ۱۱۸

۳-۱۰) جنبش سقاخانه ۱۲۸

۳-۱۱) نقاشی و مجسمه دهه ی چهل خورشیدی ۱۳۶

۳-۱۲) نتیجه گیری ۱۴۳

۳-۱۳) پی نوشت ها ۱۴۴

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات

۴-۱) مقدمه ۱۴۸

۴-۲) سنت و ویژگیهالی آن در نقاشی ایران ۱۴۸

۴-۳) شاخصه های مدرنیسم در نقاشی ۱۵۴

۴-۴) محیط، محتوا و اثر هنری ۱۵۶

۴-۴-۱) جنبه های گوناگون محتوا ۱۵۶

۴-۴-۲)محتوی اثر هنری ۱۵۷

۴-۵) قراردادها ۱۵۹

۴-۵-۱) ویژگیهای آثار هنری ۱۶۰

فهرست منابع ۱۶۷

چکیده انگلیسی ۱۷۶

فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۲-۱) میانگین سهم وزارتخانه ها در بودجه عمومی دولت ۱۳۰۷-۱۳۲۰	۵۸
جدول۴-۲) عوامل بیرونی تاثیر گزار بر جریان های مهم تاثیر گذار در نقاشی ایران بین دو انقلاب	۱۶۲
جدول۴-۳) تطبیق کارکردهای اثر هنری با دوره های مهم ناشی معاصر ایران	۱۶۳
جدول۴-۴) عوامل موثر در روند تحولات نقاشی معاصر ایران از سنت به نوگرایی	۱۶۴
جدول ۴-۵) بررسی شاخصه های سنت در جریانهای مهم نقاشی معاصر ایران	۱۶۵
جدول۴-۶) بررسی شاخصه های مدرنیته و تاثیر آن بر نقاشی معاصر ایران	۱۶۶
جدول۴-۷) بررسی تاثیرعناصر سنت، تجدد و مدرنیسم در جریانهای تاثیرگذار نقاشی معاصر ایران	۱۶۷

فهرست تصاویر

عنوان	صفحه
تصویر شماره ۱: مرگ مارا اثر ژاک لویی داوید	۲۴
تصویر شماره ۲: بخشی از یک نگاره (کاخ چهل ستون اصفهان)	۸۲
تصویر شماره ۳: نمایی از کلیسای سن سور جلفا	۸۴
تصویر شماره ۴: فتحعلیشاه قاجار، پیکر نگاری درباری اثر مهرعلی	۸۹
تصویر شماره ۵: تصویری از کتاب هزارویکشب اثر ابوالحسن غفاری	۹۰
تصویر شماره ۶: بخشی از کتاب هزارویکشب اثر ابوالحسن غفاری	۹۲
تصویر شماره ۷: تابلو استنساخ اثر محمود خان ملک الشعرا صبا	۱۰۲
تصویر شماره ۸: میدان کربلا اثر محمد غفاری(کمال الملک)	۱۰۵
تصویر شماره ۹: فالگیر بغدادی اثر محمد غفاری (کمال الملک)	۱۰۸
تصویر شماره ۱۰: حضرت علی و حسنین اثر محمد مدبر	۱۱۳
تصویر شماره ۱۱: بیرون آوردن یوسف از درون چاه اثر حسین قوللر آقاسی	۱۱۴
تصویر شماره ۱۲: نبرد رستم و اشکبوس اثر حسین قوللر آقاسی	۱۱۵
تصویر شماره ۱۳: نقاشی نوگرا، اثر جواد حمیدی	۱۲۰
تصویر شماره ۱۴: دنیای درون، نقاشی کوبیستی اثر جلیل ضیاپور	۱۲۴
تصویر شماره ۱۵: تصویر روی جلد نشریه خروس جنگی ۱۳۲۸ ه.ش	۱۲۴
تصویر شماره ۱۶: نقاشی نوگرا اثر احمد اسفندیاری	۱۲۶
تصویر شماره ۱۷: نقاشیخط اثر حسین زنده رودی	۱۳۱
تصویر شماره ۱۸: سقاخانه، اثر حجمی پرویز تناولی	۱۳۵

مقدمه :

فرهنگ و تمدن ایرانی قدمتی دیرینه دارد و به رغم فراز و نشیب ها ی گوناگون، در مقاطع مختلف تاریخ توانسته است تعامل مثبت و سازنده با فرهنگ ها و تمدن های دیگر داشته باشد و از فرهنگها و تمدن های یونان و روم شرقی ، مصر باستان ، چین و هند، ادیان و آیین هایی همچون یهودی، مسیحی، هندو و بودایی از هر یک بخش هایی را به صورت گزینشی بر گرفته و سپس با یکدیگر ترکیب ساخته است. با وجود این ایرانیان نه تنها دچار از خود بیگانگی نشده بلکه به صورتی پویا و ماندگار، قوی تر با قی مانده اند. پس از سپری شدن روزگار پر جلال امپراتوری های هخامنشی و ساسانی که حشمت دولت ایرانی که بر گستره ای وسیع از سرزمین های مختلف گسترده بود، دورانی از گسستگی و پراکندگی بر سرزمین ایران غلبه یافت. در این دوران با وقوع خشونت بارترین جنگ ها و تهاجم های بی رحمانه اقوام مهاجم و ترکتازی آنها و روی آمدن سلسله های غیر ایرانی گوناگون، ایرانیان نه تنها زبان و فرهنگ خویش را از دست ندادند بلکه مهاجمان را به فرهنگ خویش متمایل ساختند.

پس از استقرار دولت صفوی، با اجرای سیاست وحدت مذهبی، خشونت طلبی قزلباش ها یا ضعف سیاسی اغلب شاهان صفوی صوفی منش، برای اولین بار ایران به مانند روزگار باستان به یک پارچگی گسترده سر زمینی دست یافت. نیروی نظامی منظم که آمادگی دفاع از مرزهای ایران را داشت و گسترش مبادلات تجاری و رشد بازرگانی داخلی موجب تقویت و رونق تجارت خارجی در این دوران گردید. گسترش شهرها و تحرک اجتماعی نتیجه عمران و نوسازی کشور بود که شاه عباس بزرگ (۹۶۶- ۱۰۳۸ ه.ق) آن را بوجود آورد. این تحول، ابتدا در معماری و سپس با توجه به رشدکمیت وکیفیت آثار هنری به ویژه در نقاشی (نگارگری) ایرانی که همواره با کتاب آرایی همراه بود ایجاد شد. این دوران همزمان با شکل گیری رنسانس پسین (قرن پانزدهم میلادی) در اروپا بود که به نهضت فراگیر انسان گرایی و آغاز تجدد تبدیل گردید؛ فرهنگی که تازه نفس، قدرتمند و به

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
IRANDOC

لحاظ شکل و محتوا کاملا متفاوت با تمدن های سنتی بود. در این زمان ماموران سیاسی، بازرگانی و نظامی اروپاییان به طور فزایمده سراغ سرزمین ما آمدند.

سقوط سلسله صفوی به دست مهاجمان کم تعداد افغان حاکی از سست شدن شیرازه حکومت صفوی در اواخر سده یازدهم هجری قمری بود. کوشش های نادر شاه افشار و سپس کریم خان زند برای بازگرداندن شکوه و قدرت پیشین ایران در نهایت به قدرت گرفتن سلسله ترک نژاد قاجار به مدت تقریبا ۲۰۰ سال در ایران منتهی گردید. گرچه آشنایی با تجدد و فرنگی مآبی از اواسط صفوی آغاز شده بود اما در دوره قاجار به ویژه سلطنت طولانی ناصر الدین شاه به مدت پنجاه سال گسترش یافت. در نتیجه آشنایی ایرانیان با اندیشه های متجددانه اروپایی، انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ هجری قمری به وقوع پیوست.

از ابتدای قرن نوزدهم میلادی فرهنگ و تمدنی ایرانی به صورتی جدی در رویارویی با فرهنگ وتمدن نوین غرب قرار گرفت. در این رویارویی، فرهنگ ایرانی در ابعاد مختلف تحت تاثیر تجدد واقع شد که آن را می توان در حوزه های گوناگون مورد نقد و بررسی قرار داد. سرآغاز اصلی در پی شکست فتحعلیشاه قاجار در جنگ با روسیه تزاری بود که مهمترین واقعه آن دوران بود زیرا ایرانیان را به چاره اندیشی علل عقب ماندگی وداشت. این چاره جویی ها به صورت اصلاحات در ساختار اجتماعی و به منظور بهره برداری از تجدد غربی پیوند خورد.

برخلاف اشتراک نظر درباره دلایل ورود تجدد به ایران، پیرامون نتایج تجدد در میان صاحب نظران اجتماعی نظر فراگیری وجود ندارد. اغلب آنها بر این باورند که تماس دامنه دار و مستمر ایرانیان با دنیای فرنگ (اروپای قرن نوزدهم میلادی به بعد) پس از ناکامی در جنگ های سیزده ساله ایران با روسیه و انعقاد قردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای، زمینه ساز بیداری ایرانیان و کنجکاوی آنان برای درک این واقعیت تاریخی بود که فرنگیان نیرومند شده اند و به علت برتریشان در فناوری و علوم دنیا را فتح کرده اند. یافتن راه نجات و جبران عقب ماندگی ها، موجی از دیدگاه ها و نظریه های متفاوتی را در میان صاحب نظران ایرانی به راه انداخت. در این هنگام شاید بتوان ولیعهد، عباس میرزا

نایب السلطنه را از نخستین افراد برای پاسخ به چرایی عقب ماندگی ایرانیان تامل کرد. ورود تجدد به ایران در ابعاد گوناگونی مانند، صنعت، فرهنگ، هنر و ...تأثیر های عمیق و برگشت ناپذیری را برجای گذاشت، آنچنان که هنوز نیز پیامدهایش به قوت هر چه تمام ادامه دارد.

در ابتدا، تجدد خود را در عرصه های نظامی به ما نمایاند؛ یعنی زمانی که ایرانیان با قدرت نظامی برتر روسیه رویارو شدند و دریافتند که؛ قدرت سنتی یارای مقاومت در برابر قدرت نظامی جدید را ندارد. در پی این اندیشه بود که عباس میرزا گروهی پنج نفری را در ابتدای نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی برای کسب علوم ومهارت های نظامی و مهندسی به اروپا فرستاد تا شاید بتواند تا حدی عقب ماندگی ها را جبران کند و اصلاحاتی را در ایران بوجود آورد. دیری نگذشت که برخی دیگر از متفکران و نخبگان حکومتی متوجه آن شدند که تجدد پیش از آنکه در عرصه های نظامی مهم باشد در حوزه های دیگر به ویژه علوم وفنون باید اخذ گردد. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (۱۲۵۱-۱۱۹۳ ه.ق)، صدر اعظم محمد شاه (۱۲۶۴-۱۲۲۲ه.ق) نیز به اصلاحات در امور کشورداری پرداخت. امیر کبیر(۱۲۶۸- ۱۲۲۲ه. ق) نیز در دوران صدر اعظمی اش برای ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳- ۱۲۶۴ ه.ق) اصلاحات فراگیری را در زمینه های گسترده تری نسبت به اقدامات عباس میرزا و قائم مقام در پیش گرفت. به طور مشخص امیر کبیر علاوه بر سازماندهی امور نظامی و اصلاحاتی در زمینه های مالی و اداری ، برای تأسیس مرکز آموزش عالی به سبک فرنگی و نوسازی برخی صنایع همت گماشت. او علاوه بر فرستادن تعداد بیشتری دانشجوی ایرانی به خارج از کشور، با تاسیس درالفنون در راه تربیت و توسعه نیروی انسانی ماهر جهت به سامان کردن و پیش بردن بهتر برنامه های اصلاحی گام برداشت و توانست ابعاد بیشتری از تجدد را در داخل کشور مطرح سازد. راه اندازی دارالفنون (۱۲۶۸ ه.ق/ ۱۸۵۲م) را باید یکی از اقدامات بسیار تاثیر گذار در مسیر تجدد خواهی ایرانیان دانست. دارالفنون به نوعی نتیجه حداقل نیم قرن تلاش مردان و مساعی شخصیت های کم نظیر تاریخ ایران بود. درالفنون نخستین مدرسه به سبک جدید بود که در آن ((طب، تشریح، مهندسی و زبان خارجی به شیوه فرنگی تدریس می شد و اکثر استادان آن از کشورهای اتریش و فرانسه برای

تدریس به ایران آمده بودند؛ دویست شاگرد داشت و امیر می خواست که هر فنی در آن آموخته شود و طبقه ای برگزیده در آن تربیت شوند که پیشگامان تجدد در ایران باشند)) .(بهنام ،۱۳۷۵: ۳۱)

هرچه نخبگان ایرانی با تجدد بیشتر آشنا می شدند، از یکسو به ژرفای نقایص خویش و ضرورت شناخت دقیق تر مسایل جدید بیشتر پی می بردند و از سوی دیگر ابعاد تازه ایی از تقابل سنت با تجدد برای آنها گشوده می شد. اگر کوشش اولیه ایرانیان برای کسب تجدد بیشتر در زمینه فناوری جلوه گری می کرد و چشم و دل ایرانیان را مفتون سلاح هایِ جنگی پیشرفته، ماشین دودی، دوربین عکاسی و...ساخته بود، گام های واپسین آنها که به پیدایش جنبش مشروطه در ایران شد، لایه های عمیق تر تجدد یعنی قانون، آزادیهای مدنی و اجتماعی، دموکراسی، پارلمان، مطبوعات و... ذهن نخبگان را به خود مشغول کرده و تا به امروز نیز این درگیری ذهنی به قوت خویش باقی مانده است.

گوهر و بنیان تجدد بر عقل نقاد و خود بنیاد بشری استوار شده بود. این ذهنیت تازه مسئله آفرینی جدید مِی کرد و با طرح پرسش های بنیادین، رویکردها و راهبردهایی نوین را می آفرید. تجدد در نزد نخبگان ایرانی صرفاً در پرتو توجه به ظواهر سه حوزه سیاست، اقتصاد و اجتماع بود. پس از مشروطیت، تجدد ظاهری در قالب کلی فرنگی مآبی تجلی خاص یافت و باعث ایجاد تغییراتی بنیادین در هنر و ادبیات ایران گشت.

« بر اساس یکی از قدیمی ترین تعاریف، فرهنگ شامل مجموعه گسترده و پیچیده ای از رفتارها، هنجارها، آداب، عقاید، رسوم، آیین ها، مسلک ها و مراسم هایی است که مردمان یک سرزمین نسل اندر نسل بر اساس آموزش هایی خاص به صورت میراث ماندگار در جامعه خود می آموزند و در پیدایش و استمرار آن سهیم می باشند و با آن زندگی می کنند.» (گودرزی، ۱۳۸۶: ۲۷)

«فرهنگ در اصطلاح جامعه شناسی و مردم شناسی ترجمه واژه کولتورفرانسوی و کالچر انگلیسی است. این واژه دراصل به معنی کشت و کار،آباد کردن،کاشتن زمین و بارور ساختن بوده وبه تدریج مفهوم توسعه یافته آن به ادبیات و علوم راه پیدا کرد و در قرن هجدهم میلادی نویسندگان، آن را به معنی پرورش روانی و معنوی به کار می بردند. (وثوقی، ۱۳۸۶ :۱۱۳)

عناصر و اجزای مختلف فرهنگ، روی هم رفته درتناسبی ویژه با هم اشکال فرهنگی وسپس مجموعه و نظام های فرهنگی را در قالب یک ساختار ایجاد می کنند که افراد وابسته به آن فرهنگ ازمنزلت اجتماعی برخوردار می شوند. فرهنگ است که به اعمال و رفتار وکنش اجتماعی آنان جهت می دهد و حتی بر آرزوها، احساسها، نگرشها و باورهایشان نیز تاثیری عمیق می گذارد. تعامل انسان به عنوان کنشگر با ساختار فرهنگی نیز به صورتی دو سویه می باشد، یعنی هم فرد می تواند از ساختار فرهنگ تاثیر بگیرد و هم بر آن تاثیر بگذارد.

تا پیش از آغاز مشروطیت مهمترین گروه مرجع فرهنگی در ایران روحانیان بودند که علاوه بر تبلیغ و آموزش دینی به مومنان، در اموری همچون قضاوت، سند نویسی املاک وبرخی منصب های حکومتی دخالت و سرپرستی مستقیم داشتند. این گروه پر نفوذ اجتماعی، رهبری هیجان های توده مردم را در تاریخ معاصر به دست داشتند و در تعامل با گروه های رقیب مثل روشنفکران با چالشی جدی مواجه بوده اند. روشنفکران را می توان به نوعی حاملان و منادیان پروژه تجدد در ایران دانست. روشنفکران بر اساس نوع پرورش فکری و اجتماعی خود و بر حسب موقعیت و جایگاهشان در نظام قشر بندی اجتماعی زمان خویش و همچنین اوضاع و شرایط داخلی و خارجی و توانایی هایشان، پیرامون مسأله تجدد راه حل هایی را پیشنهاد دادند و آن را از زوایای خاص بررسی کردند. بدین لحاظ می توان آنها را به گروه های مختلفی دسته بندی نمود و یا بر اساس آراء و نظراتشان پیرامون موارد گوناگون تبارشناسی کرد. روشنفکران ایرانی تلاش کرده اند تا نخست نشان دهند که تجدد چیست و چگونه بوجود آمده است و دوم اینکه آیا ما می توانیم عناصری از تجدد را اقتباس کنیم یا خیر؟ چه قسمت هایی از تجدد به راحتی قابل اقتباس اند و چه بخش هایی به دشواری اقتباس می شوند؟ روند دگرگونی جامعه از سنت به تجدد، آیا به گونه ایی بوده که تحولات فرهنگی تحت تأثیر تحولات اجتماعی باشد. پاسخ به پرسش های فوق می تواند این مسائل را برای ما بهتر شکافته و ما را قادر سازد تا در سایه تحلیل عمیق از تحولات اجتماعی در سه حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ به بررسی موشکافانه این روند بپردازیم. این بررسی به رویکرد جامعه شناختی که به نوعی که ریشه در

فرهنگ غربی دارد، باز می گردد. می توان در اینجا از این تعبیر آنتونی گیدنز استفاده کرد که جامعه شناسی محصول نوگرایی(مدرنیسم) است. در اینجا باید اشاره کرد که بازه زمانی بررسی تحقیق در فاصله بین دو انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی می باشد. مشروطه به نوعی پذیرش تجدد و انقلاب اسلامی به معنای نفی تجدد بود و باید دانست در فاصله این هفتاد سال، روند گذر از سنت به مدرنیسم نقاشی ایران نیز بازتابی از این تحول بوده و مورد بررسی این تحقیق قرار گرفته است. از این رو مسأله، اهداف و سؤال اصلی این تحقیق به شرح زیر ضرورت دارد:

تعریف مسأله

آنچه در نقاشی معاصر ایران آشکاراست، دیدگاه متفاوت هنرمندان به جنبه‌ها، موضوعات و مسائل گوناگون مرتبط با سنت و تجدد و نحوه برخورد با آن ها می‌باشد. در طی این روند هنرمندان نوگرا (مدرنیست) توانسته اند با تکیه بر آموزه‌های خویش از هنر غرب و حل کردن آن با آنچه که از سنت‌های گذشته به یادگار مانده، پایه‌گذار شیوه نوینی در هنر نقاشی ایران باشند. بررسی تحولات نقاشی ایران در بین دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی که دربرگیرنده سه جریان اصلی می‌باشد و نیز تأثیرات جامعه بر روند این سه جریان به لحاظ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند راهگشای مسائل هنرمندان در این مسیر باشد. این روند باید به دقت مورد رسیدگی قرار گیرد تا نحوه تعامل و تقابل سنت و تجدد با توجه به دگرگونی‌های رخ داده شده در اجتماع بتواند خویشتن را آشکار سازد.

اهداف تحقیق

۱ـ جستجوی معنای واژه‌های سنت، تجدد و مدرنیسم (نوگرایی)

۲ـ بررسی تحلیلی سنت‌گرایی و نوگرایی در نقاشی معاصر ایران با توجه به پیشینهٔ آن

۳ـ کشف ارتباط معنایی و ساختاری موجود میان آثار نقاشان معاصر

۴ـ روند تأثیر تحولات جامعه بر هنرمندان نقاش و آثار آنها

این تحقیق در پی آن است تا تأثیر جامعه را بر نقاشی معاصر ایران، شیوه‌های آن و مسائل موجود را مورد تحلیل قرار دهد. وجود چنین مجموعه‌ای می‌تواند تحلیلی مناسب از جامعه‌شناسی هنر و تأثیر

های متقابل جامعه و هنر را به خوبی نمایان سازد.

سؤال‌های اصلی تحقیق

۱ـ وقوع انقلاب مشروطه در ایران،تا چه حد بر سرعت روند تغییر جامعه ایران به سوی تجدد تأثیر گذاشت ؟

۲- انقلاب اسلامی به معنای پایان نوگرایی در نقاشی معاصر ایران بود؟

۳ـ آیا نقاشی سنتی ایران تاب مقاومت در برابر تغییرات یک جامعه متجدد را داشت؟

۴ـ چگونه و با چه شیوه‌هایی جنبش نوگرایی(مدرنیسم) در غرب بر نقاشی سنتی ایران تأثیر گذاشت؟

۵ـ واکنش یک جامعه سنت‌گرا و هنرمندان آن در برابر نفوذ نوگرایی چگونه است؟

۶ـ چه گرایش‌ها و شیوه‌هایی در این بازه زمانی در نقاشی ایران ظهور کرد؟

۷ـ نقش راهبردی هنرمندان و روشنفکران جامعه ایران در نحوه گذار از سنت به تجدد به چه صورت بوده است؟

۸ـ در دنیای امروزکه تعامل میان فرهنگ‌های مختلف اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، هر جامعه و کشوری از چه طریق به دنبال یافتن و ثبت ریشه‌های اصیل خویش برای جستجوی توانایی لازم برای تعامل با سایر فرهنگ‌ها می‌باشد؟

هنر ایرانی به عنوان یکی از پایه‌های مهم هویت جمعی ما ست و از آن میان، نقاشی به عنوان قوی‌ترین هنر بصری باید به دقت مورد تحلیل و ریشه‌یابی قرار گیرد. این پایان‌نامه بر این هدف کلی نگارش یافته است تا به پرسش‌های اساسی فوق و سؤال‌های دیگری که در ضمن پژوهش بدان خواهیم رسید پاسخی روشن بدهد.

فرضیه‌ها/پیش‌فرض‌ها:

پیش‌فرض‌ها:

۱ـ براثرتداوم فرهنگی و هنری، سنت‌های هنری همواره به شکل‌های تازه‌ای ظاهر می‌گردند و کمتر اتفاق می‌افتد که یک سنت هنری به طور کامل از میان برود.